

درس نهم

وصیت

كُتِبَ عَلَيْكُمْ إِذَا حَضَرَ أَحَدَكُمُ الْمَوْتُ
إِنْ تَرَكَ خَيْرًا الْوَصِيَّةَ لِلْوَالِدَيْنِ
وَالْأَقْرَبِينَ بِالْمَعْرُوفِ،
حَقًّا عَلَى الْمُتَّقِينَ^١.

بر شما نوشته (واجب) شده است :
هنگامی که مرگ یکی از شما فرا رسد، اگر چیز خوبی
[مالی] از خود به جای گذارده، برای پدر و مادر و
زدیگان، به طور شایسته وصیت کند،
این حقی است بر پرهیزکاران.

١- سورة بقره، آیه ١٨٠

وصیت و انواع آن

تجربه، بسیار ارزشمند است. انسان‌های بزرگ، چکیدهٔ تجربهٔ خود را در قالب وصیت به فرزندان یا آشنایان خود منتقل می‌کنند تا آن را سرلوحهٔ زندگی خویش قرار دهند؛ سفارش‌هایی مملو از نکات اجتماعی و ظرایف اخلاقی. وصیت‌های ائمهٔ اطهار علیهم‌السلام، امام خمینی (ره)، و شهدای جنگ تحمیلی از عالی‌ترین نمونه‌های وصیت است.

هر کس می‌تواند وصیت کند؛ از توصیه‌های اخلاقی گرفته تا وصیت‌های مالی. وصیت می‌تواند کتبی یا شفاهی باشد، البته اعتبار وصیت کتبی بیشتر است. انسان تازمانی که زنده است اختیاردار اموال خویش است و پس از مرگ، اموالش در اختیار بازماندگان او قرار می‌گیرد. او حق دارد نسبت به چگونگی تقسیم یک سوم اموالش اظهار نظر (وصیت) کند.

به ملت عزیز ایران توصیه می‌کنم که نعمتی که با جهاد عظیم خودتان و خون جوانان برومندانان به دست آوردید همچون عزیزترین امور قدرش را بدانید و از آن حفاظت و پاسداری نمایید و در راه آن، که نعمت عظیم الهی و امانت بزرگ خداوندی است کوشش کنید و از مشکلاتی که در این صراط مستقیم پیش می‌آید نهراسید



پیشنهاد

قسمتی کوتاه از وصیت یکی از بزرگان یا شهدا را انتخاب و در قالب چند سطر برای نصب در کلاس یا تابلوی مدرسه ارائه نمایید.

موارد وصیت مالی

بهترین روش تقسیم دارایی انسان پس از مرگ را خداوند در قرآن تعیین کرده است^۱. و به انسان نیز این حق را داده تا بتواند دربارهٔ اموال خویش و نحوهٔ تقسیم آن پس از مرگ، وصیت کند. این وصیت‌ها معمولاً شامل کمک مالی به امور خیر (مانند ساخت مسجد، حسینیه، مدرسه، و کمک به نیازمندان)، گرفتن نایب برای قضا کردن نمازها و روزه‌های فوت شده، انجام سایر اعمال عبادی نظیر عمره، بهره‌مند کردن برخی اقوام یا آشنایانی که از او ارث نمی‌برند، و نظایر آن است.

وصیت مالی حداکثر تا یک سوم اموال، جایز است. و اگر کسی بیش از ثلث دارایی‌اش وصیت کند، فقط تا یک سوم آن لازم‌الاجراست و بیش از آن، منوط به اجازهٔ وارثان و گذشتن از حق شرعی آنها (وارثان) می‌باشد.

به جز وصیت ثلث که گاهی «ثلث خیریه» نیز نامیده می‌شود، در صورتی که بدهی، امانت یا حق الناسی بر گردن وی باشد، واجب است آن را به اطلاع وارثان یا وصی خود برساند و در مورد ادای آن، وصیت کند؛ البته وصیت در مورد پرداخت بدهی، محدود به ثلث اموال نمی‌شود؛ بلکه مقدم بر تقسیم ارث است.

نحوهٔ وصیت

وصیت کردن منحصر به زمان مرگ یا بیماری نیست؛ بلکه مستحب است که انسان همواره خودش را برای مرگ و حوادث غیر مترقبه آماده و با عاقبت‌اندیشی برای آینده برنامه‌ریزی کند. هر فرد مسلمان موظف است با مشاهدهٔ علائم مرگ، امانات مردم را به صاحبانش بازگرداند و بدهی خود را پرداخت یا به دادن آن وصیت کند؛ اگر دینی (مال یا غیر آن) برعهده‌اش است ادا نماید یا حلالیت بطلبد؛ همچنین اگر فرزند صغیری دارد یا سرپرستی تیمی را برعهده دارد، لازم است برای آنان قیم تعیین نماید.

فردی که از سوی وصیت‌کننده (موصی)، عهده‌دار اجرای وصیت می‌شود «وصی» نام دارد. وصیت می‌تواند کتبی یا شفاهی باشد و بهتر این است که در حضور دو شاهد عادل یا به صورت محضری انجام پذیرد تا موجب اختلاف نگردد.

۱- در درس بعد با برخی از این قوانین آشنا خواهید شد.

در اسلام برای هر یک از طرفین وصیت، حقوق و تکالیفی وجود دارد که باید آن را رعایت نمود :

حقوق وصیت کننده

- وارثان، و نیز وصی، موظف به رعایت موارد ذیل اند :
- ۱- توجه به «امانت» بودن وصیت نامه و محتوای آن، و وظیفه خطر امانت داری و مواظبت از تحریف نشدن آن.
 - ۲- احترام به حق تصرف وصیت کننده درباره اموال خود پس از مرگ خویش و توجه به تکلیف آور بودن این حق برای وصی و نزدیکان در عمل به مفاد آن (مشروط به اینکه خلاف شرع نباشد).
 - ۳- کوتاهی نکردن و به تعویق نینداختن اجرای وصیت و عمل نمودن دقیق به آن، به عنوان تشکر از زحمات آن متوفی.

حقوق وصیت شوندگان

- وصیت کننده نیز بهتر است موارد زیر را درباره خویشاوندان خود رعایت کند :
- ۱- عدم تبعیض ناروا در وصیت بین فرزندان یا دیگر نزدیکان
 - ۲- عدم بخشش تمام اموال خود به دیگران یا امور خیر، به هنگام فوت یا نزدیک شدن آن، و احترام به حق بهره مندی خویشان از ارثیه.
 - ۳- در نظر گرفتن منابع مالی جهت مواردی که به آن وصیت می کند، تا ورثه برای انجام آن به زحمت نیفتند.
 - ۴- عدم وصیت به امور فتنه انگیز و اختلاف افکن
 - ۵- عدم تعیین تکلیف برای افرادی که سرپرستی آنها را بر عهده نداشته است.
 - ۶- عدم محدود نمودن افراد تحت سرپرستی خود در اموری که هر فرد حق انتخاب و آزادی عمل در آن را دارد.

وصیت‌های باطل

- ۱- وصیت بیش از ثلث مال (مگر ورثه به آن راضی شوند و اجازه دهند).
- ۲- وصیت به انجام کار حرام یا کاری که موجب ظلم و تضییع حق شود.
- ۳- وصیت به اموری که در حدود اختیارات متوفی نبوده و دخالت در اموال یا امور دیگران محسوب می‌شود.

بیندیشیم و پاسخ دهیم

- ۱ وصیت به محروم نمودن برخی از فرزندان از ارث چه حکمی دارد؟
- ۲ مثال‌هایی شایع از وصیت‌های بدون اعتبار (باطل) را بیان کنید.

درس نهم

ارث

لِلرِّجَالِ نَصِيبٌ مِّمَّا تَرَكَ الْوَالِدَانِ

وَ الْأَقْرَبُونَ وَ لِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ

مِّمَّا تَرَكَ الْوَالِدَانِ وَ الْأَقْرَبُونَ

مِّمَّا قَلَّ مِنْهُ أَوْ كَثُرَ نَصِيبًا مَّفْرُوضًا

مردان از آنچه پدر و مادر و خویشاوندان (پس از مرگ

خویش) برجای گذاشته اند سهم دارند و

زنان (نیز) از آنچه پدر و مادر و خویشاوندان به جا

می گذارند سهمی دارند؛ چه کم باشد و چه زیاد؛ سهمی

مشخص و حتمی است.

■ درس پیش دربارهٔ وصیّت بود. اینک با گوشه‌ای از احکام ارث آشنا می‌شویم.

اصطلاحات مبحث ارث

مُتَوَفَّى: فرد فوت شده

مُورَث: فرد متوفی که دیگران از او ارث می‌برند.

وارث: فردی که از متوفی ارث می‌برد.

وَرَاث: جمع وارث؛ به آن «وَرَثَه» نیز می‌گویند. کسانی که ارث می‌برند.

ماترک: اموال باقیمانده از متوفی (پس از کسر دیون و سایر مخارج). همچنین «ارثیه»،

«ترکه»، و «ارث» نیز به آن می‌گویند.

قانون ارث در اسلام

مناسب‌ترین روش حفظ دسترنج افراد و رعایت حقوق شخصی آنان پس از مرگ، انتقال اموال به خویشان درجهٔ یک و تقسیم «عادلانه» میان آنان است؛ زیرا «عزیزترین» اشخاص برای هر انسان و «دلسوزترین» افراد در حفظ دسترنج او اعضای خانوادهٔ او می‌باشند و دارایی انسان، دارایی خانواده نیز محسوب می‌شود. اطلاع از قانون اسلام در مورد ارث و انتقال دارایی انسان به بستگان نزدیک علاوه بر آرامش روحی فرد و اطمینان از هدر نرفتن تلاش‌هایش موجب استحکام پیوند خویشاوندی نیز می‌گردد.

فواید تعلق یافتن ارثیه به اقوام نزدیک را بیان نمایید.

فعالیت کلاسی



کیفیت تقسیم ارث

اموال متوفی، مطابق قانون الهی، و نه خواست و سلیقه او، بین خویشاوندان وی تقسیم می‌گردد. طبق قانون اسلام، متوفی نمی‌تواند تمام ارث را به شخص خاصی اختصاص دهد و یا برخی از بستگان را از ارث محروم کند. متوفی قبل از مرگ خویش می‌تواند حداکثر تا یک سوم از ماترک خویش را آن‌طور که صلاح می‌داند وصیت نماید، اما نسبت به دو سوم باقیمانده هیچ حقی ندارد و مطابق قانون الهی تقسیم می‌گردد.

تقسیم ارث، پس از کسر هزینه‌های کفن و دفن و پرداخت دیون مالی میت انجام می‌شود. این بدهی‌ها عبارت‌اند از: دیون شرعی، مانند: خمس، زکات، کفارات روزه، هزینه حج نیابتی در صورتی که حج بر وی واجب بوده است، و بدهی مالی به افراد و سازمان‌ها.

پس از پاک شدن مال از دیون شرعی و بدهی به مردم، نوبت به انجام وصیت متوفی می‌رسد؛ اگر متوفی وصیت مالی کرده باشد، به آن وصیت حداکثر تا ثلث ترکه عمل می‌شود. و اگر بیش از ثلث باشد، در صورت رضایت ورثه، به مازاد نیز عمل می‌شود. سپس باقیمانده اموال، مطابق قانون الهی بین ورثات تقسیم می‌گردد.

وارثین عادی

افرادی که به طور معمول از انسان ارث می‌برند عبارت‌اند از: پدر، مادر، فرزند و همسر که سهم هر یک به شرح زیر است:

۱- همسر (زوج): یک چهارم ارثیه از ماترک؛ و در صورتی که زن فرزندی نداشته باشد، یک دوم آن به شوهر می‌رسد.

۲- همسر (زوجه): یک هشتم ارثیه ماترک؛ و در صورت نداشتن فرزند، یک چهارم آن به زن می‌رسد.

۳- پدر و مادر: هر کدام یک ششم ماترک را به ارث می‌برند.

۴- فرزندان: پس از آنکه سهم پدر، مادر و همسر، از ارث مشخص شد، مابقی بدین صورت بین فرزندان تقسیم می‌گردد: پسر «دو سهم»، دختر «یک سهم».

مثال تقسیم ارث

مسئله: مردی از دنیا رفته و ماترک او پس از پرداخت دیون و ثلث اموالش که وصیت کرده است، دوازده میلیون تومان می‌شود. ورثه او عبارت‌اند از: پدر، مادر، همسر، دو پسر و یک دختر. سهم الارث هر یک را به دست آورید.

پاسخ:

$$12,000,000 \times \frac{1}{6} = 2,000,000 \quad \text{سهم پدر:}$$

$$12,000,000 \times \frac{1}{6} = 2,000,000 \quad \text{سهم مادر:}$$

$$12,000,000 \times \frac{1}{8} = 1,500,000 \quad \text{سهم همسر(زوجه):}$$

کل سهم فرزندان (مابقی):

$$12,000,000 - (2,000,000 + 2,000,000 + 1,500,000) = 6,500,000$$

با توجه به اینکه نسبت سهم فرزندی پسر، «دو» و نسبت سهم فرزندی دختر «یک» است، مجموع سهم فرزندان پنج سهم می‌شود:

$$2 \times 2 (\text{پسر}) + 1 (\text{دختر}) = 5 \quad \text{مجموع سهم‌ها:}$$

$$6,500,000 \div 5 = 1,300,000 \quad \text{مبلغ یک سهم (سهم فرزندی دختر):}$$

$$2 \times 1,300,000 = 2,600,000 \quad \text{سهم هر فرزندی پسر:}$$

مادری از دنیا رحلت نموده و ماترک وی، پس از جدا نمودن سایر مخارج و ثلث خیریه، شش میلیون تومان است. وارث‌های او عبارت‌اند از: همسر، یک فرزند پسر و سه فرزند دختر. سهم ارث هر کدام را به دست آورید.

تمرین

طبقات ارث

وارثان به طور کلی به سه گروه تقسیم می‌شوند که هر گروه، «طبقه» نام دارد. تا زمانی که از هر طبقه حتی یک نفر وجود داشته باشد، نوبت به طبقه بعد نمی‌رسد. طبقه نخست عبارت است از: پدر، مادر و فرزندان متوفی. در صورت فوت تمام فرزندان، نوادگان به جای آنها ارث می‌برند. طبقه دوم تشکیل شده است از: پدر بزرگ، مادر بزرگ، خواهر و برادر. و در صورتی که هیچ‌کدام از خواهران یا برادران میت زنده نباشند، فرزندانشان جایگزین می‌شوند. طبقه سوم متشکل از: عمو، عمه، دایی و خاله، و در صورت فوت همه، فرزندان آنها جایگزینشان می‌شوند.

تذکر: همسر جزء طبقه خاصی نیست و همراه همه طبقات ارث می‌برد.

چند مثال:

۱ اگر برخی فرزندان متوفی قبل از فوت وی از دنیا رفته باشند و هنگام فوت فقط یک فرزند پسر زنده باشد، همه ماترک به او تعلق می‌گیرد و به وراثت فرزندان فوت شده یا نوه‌ها سهمی تعلق نمی‌گیرد.

۲ اگر میت (زن) صاحب فرزند نباشد و جز شوهر وی، فقط مادرش از طبقه اول زنده باشد، به شوهر $\frac{1}{4}$ از ماترک و به مادر $\frac{1}{4}$ از ماترک را می‌دهند. $\frac{1}{4}$ باقیمانده نیز به مادر تعلق می‌گیرد.

۳ اگر از میت فقط دو نوه و چند خواهر و برادر باقی باشند، ارثیه بین نوادگان تقسیم می‌شود و به خواهران و برادران سهمی نمی‌رسد.

چند نکته:

- کافر از مسلمان ارث نمی‌برد، حتی اگر جزو افراد طبقه نخست باشد.
- اگر قاتل میت، جزو ورثه مقتول باشد، از او ارث نمی‌برد؛ مگر آنکه قتل از روی عمد نباشد.
- در صورتی که متوفی درباره فردی که به طور قانونی از وی ارث می‌برد، وصیتی از ثلث مالش کرده باشد، این فرد دوبار ارث می‌برد: ابتدا طبق وصیت و سپس طبق قانون ارث.

توجه: مسائل تقسیم ارث، مبحثی مفصل و دقیق است و تبصره‌های متعددی دارد. در این درس جهت آشنایی شما عزیزان، تنها مواردی از آن ذکر شد و شما می‌توانید در صورت نیاز یا تمایل، از کتاب‌های مفصل‌تر فقهی در این زمینه یا اساتید فن کمک بگیرید.

تفاوت سهم مردان و زنان

در دین اسلام، مردان مسئول تأمین هزینه‌های افراد تحت تکفل خود هستند. زنان نیز می‌توانند در اجتماع، به کار و کسب بپردازند، ولی وظیفه‌ای نسبت به تأمین هزینه‌های زندگی ندارند و درآمدشان در اختیار خودشان است. بنابراین، در قوانین اسلامی، سهم ارث آنان نصف مردان تعیین شده است؛ البته این به معنای نصف شدن بهره زن نیست؛ زیرا گرچه مردان دو سوم دارایی را به ارث می‌برند و زنان فقط یک سوم، ولی سهم مردان نیز در زندگی مشترک در اختیار آنان قرار می‌گیرد؛ لذا این تقسیم ارث، عادلانه‌ترین روش تقسیم ارث است.

ممکن است گفته شود برخی از زنان یا مردان ممکن است ازدواج نکنند یا گاهی هزینه زندگی بر عهده زن می‌افتد (مانند زنان بی‌سرپرست و یا بی‌شوهر)؛ پاسخ این است که قوانین الهی همانند تمام قانون‌ها هماهنگ با نیاز غالب افراد جامعه تنظیم می‌شود نه بر اساس استثناءها، و در اسلام اصل بر این است که افراد ازدواج کنند و مرد نیز مسئول پرداخت خرجی همسر و فرزندان می‌باشد.

نکته‌ای که باید به آن توجه کرد این است که سهم زنان همیشه نصف مردان نیست؛ بلکه در برخی موارد مساوی و حتی بیشتر از مرد است؛ سهم مادر با پدر یکسان است، سهم دختر (تک فرزند) بیشتر از پدر می‌باشد و ...

بیندیشیم و پاسخ دهیم

- ۱ چرا در اسلام سهم ارث دختران کمتر از پسران تعیین شده است؟ حکمت این امر چیست؟
- ۲ سه طبقه ارث بری را نام ببرید.

بهترین ارث

امام علی علیه السلام: خَيْرُ مَا وَرَثَ الْآبَاءُ الْآبَاءُ الْأَبْنَاءُ الْأَدَبُ.
عُرُزُ الْحِكْمِ، ص ۳۵۹
بهترین چیزی که پدران برای فرزندان به ارث می‌گذارند،
است.



تحقیق کنید

برخی از مواردی را که سهم ارث زنان همانند سهم مردان است بنویسید.



درس نازیم

احکام کسب و کار

عَنِ الْأَصْبَغِ بْنِ نُبَاتَةَ قَالَ :
سَمِعْتُ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ عَلَى الْمِنْبَرِ :
يَا مَعْشَرَ التُّجَّارِ، الْفِقْهَ ثُمَّ الْمَتَجَرَ، الْفِقْهَ
ثُمَّ الْمَتَجَرَ، الْفِقْهَ ثُمَّ الْمَتَجَرَ،
وَ اللَّهُ لِلرِّبَا فِي هَذِهِ الْأُمَّةِ أَخْفَى مِنْ ذَبِيبِ النَّمْلِ
عَلَى الصَّفَا.

اصبغ بن نباته (از یاران امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَامُ)
نقل می کند که امیرالمؤمنین بر فراز منبر می فرمود :
ای بازرگانان، ابتدا فقه را بیاموزید،
سپس به کسب و کار و تجارت پردازید. ابتدا فقه را بیاموزید،
سپس به کسب و کار و تجارت پردازید. ابتدا فقه را بیاموزید، سپس
به کسب و کار و تجارت پردازید و قسم به خدا، (نفوذ) ربا در
میان این امت، پنهان تر از حرکت مورچه بر سنگ سیاه است.

۱- الکافی، ج ۵، ص ۱۵۰

در ادامه مباحث اقتصادی، در این درس با احکام داد و ستد آشنا می‌شویم.

دیدگاه اسلام نسبت به کسب و کار

تلاش برای کسب روزی حلال، در دین اسلام، عبادت محسوب می‌شود و افرادی که برای رفع نیاز خانواده از آسایش خود می‌گذرند، «مجاهد در راه خدا» به‌شمار می‌روند.

پیامبر خدا ﷺ می‌فرماید: **الكَادُّ عَلَى عِيَالِهِ مِنَ خَلَالِ كَالْمُجَاهِدِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ**^۱. مالک حقیقی تمام عالم، خداوند است. انسان‌ها مالک «اعتباری» اموال خود هستند و وظیفه دارند که به‌طور صحیح از آنها استفاده کنند نه اسراف کنند و نه بخل بورزند، و نه از مقصد اصلی خویش و یاد خدا غافل شوند:

رِجَالٌ لَا تُلْهِهِمْ تِجَارَةٌ وَلَا بَيْعٌ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَإِقَامِ الصَّلَاةِ وَإِيتَاءِ الزَّكَاةِ^۲.



۱- مَنْ لَا يَحْضُرُهُ الْفَقِيرُ، ج ۳، ص ۱۶۸.

۲- سوره نور، آیه ۳۷.

انواع داد و ستد در اسلام

هر نوع داد و ستدی بر دو گونه است: صحیح یا باطل.

قرارداد صحیح، قراردادی است که طبق شروط لازم در اسلام منعقد شده باشد، و در نتیجه، مالکیت کالا از فروشنده به خریدار و مالکیت پول (= ثمن) از خریدار به فروشنده منتقل گردد. باطل بودن قرارداد به معنای «عدم انتقال مالکیت کالا و ثمن، بین فروشنده و خریدار» است؛ در این صورت، خریدار باید کالا را به فروشنده بازگرداند، و فروشنده مُلزم به پرداخت مبلغ دریافتی است.

توجه داشته باشید که باطل بودن قرارداد، همیشه به معنای حرام بودن آن نیست؛ البته اگر پس از آگاهی از بطلان قرارداد، یکی از دو طرف از بازگرداندن مال خودداری کند، «غصب» محسوب شده و مرتکب حرام شده است.

داد و ستد از نظر نوع کالا و شرایط، انواع مختلفی دارد که در این کتاب با چند نوع رایج آن، مانند بیع، اجاره و مضاربه آشنا خواهید شد.

خرید و فروش (بیع)

«بیع» قراردادی دوجانبه میان خریدار (مشتري) و فروشنده (بایع) است که بر طبق آن، تبادل کالا و مبلغ آن، همراه با رضایت و موافقت دو طرف صورت می‌گیرد. این پیمان در معاملات با ارزش، مانند خرید مسکن و خودرو به صورت کتبی، و در معاملات کم‌ارزش مانند خرید مایحتاج منزل به صورت شفاهی یا مُعاطات انجام می‌پذیرد.

امروزه بیشتر داد و ستدهای مردم به صورت «معامله» صورت می‌گیرد، یعنی دو طرف معامله بدون آنکه چیزی بنویسند یا بگویند، کالا و پول را مبادله می‌کنند.

خرید و فروش کالا (= مبیع)، بر حسب زمان تحویل کالا و زمان پرداخت مبلغ، سه گونه

است:

نقد: تحویل کالا و پول، به صورت هم‌زمان

نسیه: تحویل کالا در زمان انعقاد قرارداد، و پرداخت مبلغ در زمان آینده

سَلَف (پیش خرید): پرداخت مبلغ کالا در زمان انعقاد قرارداد و تحویل کالا در زمان آینده

اینک به بررسی شرایط صحت داد و ستد می‌پردازیم :

الف) شرایط خریدار و فروشنده : هر یک از دو طرف باید شرایط زیر را هنگام خرید و فروش داشته باشند، وگرنه بیع باطل است :

- ۱- عقل : پس داد و ستد با سفیه یا دیوانه صحیح نیست.
 - ۲- بلوغ : داد و ستد با بچه باطل است، مگر در کالاهای کم‌ارزش و با کودکان ممیز.
 - ۳- مالکیت : بنابراین فروختن اموال دیگران بدون اجازه آنان، موجب انتقال مالکیت نمی‌شود.
 - ۴- قصد جدی : پس اگر یکی از دو طرف قصد شوخی داشته باشد قرارداد منعقد نمی‌شود.
 - ۵- اختیار : بنابراین، اگر کسی را مجبور به خرید یا فروش کنند، معامله صحیح نیست.
- ب) شرایط فسخ خرید و فروش : پس از تبادل کالا و پول، هیچ کدام از دو طرف بدون رضایت و توافق دیگری، حق برهم‌زدن معامله را ندارد، مگر در مواردی که ذکر خواهد شد؛ البته در صورت پشیمان شدن یکی از دو طرف و درخواست از طرف مقابل، قبول این درخواست و پس‌گرفتن قرارداد (إقالة)، از مستحبات مورد سفارش است.

امام صادق علیه السلام :

هر مسلمانی کالای فروخته شده را از خریدار پشیمان پس بگیرد، خداوند سبحان

در روز قیامت اشتباهات او را نادیده می‌گیرد.^۱

در موارد زیر می‌توان قرارداد را یک جانبه فسخ نمود :

- ۱- قبل از خروج دو طرف از محل معامله
- ۲- ضرر و زیان قابل توجه یکی از دو طرف بر اثر بی‌اطلاعی یا فریب خوردن
- ۳- معیوب بودن کالا؛ در این صورت، مشتری پس از اطلاع، یکی از سه کار را می‌تواند انجام دهد : فسخ و پس‌دادن کالا، رضایت دادن به همان کالای معیوب بدون دریافت مابه‌التفاوت، دریافت مابه‌التفاوت (اُرش).
- ۴- شرط فسخ در ضمن قرارداد از سوی یکی از دو طرف
- ۵- تأخیر بیش از سه روز در تحویل کالا
- ۶- مغایرت داشتن وضعیت کالای تحویلی با مشخصات وصف شده

۱- کافی، ج ۵، ص ۱۵۳

آزمون (۱)

با توجه به شرایط مشتری و بایع :

خرید و فروش با سفیه است، همین طور با نوجوان نابالغ داد و ستد نمود، مگر در مورد کالاهای اگر یک نفر کالایی را بدون رضایت صاحبش به فروش رساند، چنین داد و ستدی صحیح، اما اگر پس از تبادل کالا و پول آن، صاحبش راضی شود آن داد و ستد است و بیع نام دارد. خرید کالا با پول غصبی است. اگر فرد به شوخی کالای خود را بفروشد و مشتری نیز بداند، پس از تبادل کالا و مبلغ، مشتری حق آن را پس ندهد. اگر پس از فروش زمین معلوم شد وقفی بوده، فروشنده پول گرفته شده را به خریدار شخصی که بدون اختیار و از روی و تهدید، مجبور به کالای خود به شخص ثالث شده، می تواند با مراجعه به خریدار و مبلغ دریافتی، کالای خود را بگیرد؛ در این صورت خریدار به سبب انعقاد قرارداد رسمی، حق از پس دادن کالا امتناع نماید.

آزمون (۲)

۱- در صورتی که خریدار حق فسخ داشته باشد، فروشنده ملزم به قبول آن و پس دادن مبلغ دریافتی، و در صورت استنکاف از آن، مرتکب شده و پول دریافت شده، حکم مال را دارد.

۲- در صورتی که پس از اتمام قرارداد و تبادل کالا، مشتری شرط فسخ کند، عمل به آن لازم و فروشنده حق مبلغ را پس

بیندیشیم و پاسخ دهیم

- ۱ ضرر انجام بیع باطل، متوجه کدام یک از دو طرف می‌شود؟
- ۲ شرایط خریدار و فروشنده در بیع را فقط نام ببرید.
- ۳ حکمت بطلان خرید و فروش با نابالغ چیست؟
- ۴ در صورتی که فروشنده از پذیرش حکم فسخ امتناع نماید وظیفه خریدار چیست؟

درس دوازدهم

معاملات حرام

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ :
الْعِبَادَةُ سَبْعُونَ جُزْءًا
أَفْضَلُهَا طَلَبُ الْحَلَالِ!

رسول خدا فرمودند :
عبادت هفتاد جزء دارد
که برترین آن، کسب حلال است.

۱- کافی، ج ۵، ص ۷۸

■ در درس قبل با شرایط صحت و احکام خرید و فروش آشنا شدیم. در این درس با کسب و کارهای حرام آشنا می‌شویم.

اهمیت کسب حلال

کار و تلاش برای تأمین نیازهای زندگی مورد سفارش اسلام است، اما باید از راه صحیح و به شکل حلال باشد؛ زیرا خوردن مال حرام انسان را از مسیر دین خارج می‌سازد و او را بندهٔ پول و دنیا می‌گرداند. حتی اگر نماز بخواند و روزه بگیرد یا حج برود، عباداتش نیز قبول نمی‌شود؛ زیرا لباس و مکان نمازگزار و هزینهٔ سفر حج باید از مال حلال باشد؛ لذا رسول خدا در روایت بالا فرمودند: کسب حلال مهم‌ترین عبادت است.

انواع معاملات حرام

۱ **تقلب در کالا یا پول، و غش در معامله:** از دیگر موارد معاملات حرام، فریب مشتری یا خریدار است؛ غش در داد و ستد به معنای آمیخته کردن جنس نامرغوب با مرغوب، بدون اطلاع مشتری است؛ مانند اضافه کردن آب در شیر، آمیختن برنج بد با خوب، مخلوط کردن روغن نباتی با روغن حیوانی.

۲ **ربا:** معاملات ربوی، در قرآن و روایات، از شدیدترین گناهان کبیره است. ربا به معنای زیادی، و در اصطلاح عبارت است از دریافت بیش از حق خود در داد و ستد یا قرض. همان‌طور که گرفتن ربا از دیگران حرام است، قبول قرارداد ربوی و دادن ربا نیز با هر توجیه یا بهانه‌ای، حرام است.

۳ **تولید، توزیع، خرید و فروش مطالب گمراه‌کننده و باطل و یا غیرمجاز:** شامل کتب، نشریات، نرم‌افزار، فیلم‌های مبتذل، آلبوم‌های موسیقی و دیگر محصولات فرهنگی که موجب شک در اعتقادات دینی گردد و نیز مطالب منحرف‌کنندهٔ فکری یا اخلاقی که منجر به بی‌توجهی یا سهل‌انگاری نسبت به دین و احکام آن شود. همچنین انتشار غیرقانونی محصولات مجاز، جایز نیست.

فعالیت کلاسی

- ۱- مطالعه کتاب‌های انحرافی از روی کنجکاوی چه خطراتی دربردارد؟ راه معقول برای آگاهی از افکار مختلف و نقد آنها چیست؟
- ۲- معیار تشخیص مجاز یا غیرمجاز بودن یک کالای فرهنگی چه مرجعی است؟



۴ شعبده‌بازی، سحر و مانند آن : کافران، پیامبران را ساحر معرفی می‌کردند و معجزه را نوعی تردستی یا جادوگری می‌پنداشتند. اسلام جهت جلوگیری از سوء استفاده افراد فرصت طلب در فریب مردم، یا القای شک و تردید در باورهای آنان، شعبده‌بازی و جادوگری را ممنوع کرده و درآمد حاصله از انجام یا آموزش آن را حرام کرده است. غیر از شعبده‌بازی که امروزه بیشتر برای سرگرم کردن مردم استفاده می‌شود، اموری مانند «سحر» که با انجام اعمال شیطانی، در جسم و روح شخص سحر شده اثر می‌گذارد و موجب تغییر در وضعیت روحی و رفتاری وی می‌گردد از نظر اسلام حرام است.

فعالیت کلاسی

- تفاوت دعا خواندن را با برخی اعمال توصیه شده از سوی شیادین برای دفع گرفتاری‌ها مقایسه کنید.



۵ ابزار و آلات قمار، ماهواره و دیگر ابزار مشترک غالب در حرام : برخی وسایل، اختصاص به استفاده در کار حرام دارند؛ مانند آلات قمار، و برخی مشترک اند. خرید و فروش ابزار مشترک به افرادی که قصد استفاده حرام از آن را دارند «گناه» محسوب می‌شود؛ مانند فروش انگور به کسی که قصد تولید شراب از آن دارد. خرید و استفاده از وسایلی که

معمولاً استفاده غیر حلال از آنها می‌شود، حتی به قصد استفاده حلال از آن نیز جایز نیست؛ مانند ظروف مخصوص مشروبات الکلی یا ابزارهایی مانند فیلترشکن اینترنت، و دریافت کننده ماهواره که چون می‌تواند موجب انحراف خانواده و فرزندان شود، بنابر فتوای مراجع تقلید حرام است.

فعالیت کلاسی

- ۱- کدام خصوصیت در برنامه‌های ماهواره‌ای، مانع استفاده از آن حتی به قصد مشاهده برنامه‌های سالم آن می‌شود؟
- ۲- راه‌های صحیح بهره‌مندی از اطلاعات روز جهان و مشاهده برنامه‌های سالم رسانه‌ها چیست؟



۶ خرید و فروش مواد حرام و نجس: شامل گوشت خوک، گوشت مردار، گوشت‌های ذبح‌شده به طریقه غیراسلامی و مشروبات الکلی. خرید و فروش خون جهت استفاده در مصارف پزشکی و نجات جان بیماران، جایز است. همین‌طور خرید و فروش (و نگهداری) سنگ نگهبان یا شکاری جایز است.

برای مطالعه

در روایتی از امام صادق علیه السلام درباره آیه «يَمْحَقُ اللَّهُ الرِّبَا وَيُرْبِي الصَّدَقَاتِ»^۱ پرسیدند: «چگونه است که گاهی می‌بینیم کسی که ربا می‌خورد مالش افزایش می‌یابد؟!» و امام علیه السلام پاسخ فرمودند: «و کدام نابودی بالاتر از نابودکنندگی یک درهم ربا؟! دین او را نابود می‌سازد و اگر عملش را ترک نکند و توبه ننماید، دارایی‌اش از بین می‌رود و فقیر می‌شود».^۲

۱- خداوند خیر و برکت ربا را می‌ستاند و آن را به سوی نابودی سوق می‌دهد، ولی صدقات را افزایش می‌دهد. (سوره بقره، آیه ۲۷۶)

۲- وسائل الشیعه ج ۱۸، ص ۱۱۹

نابودی و ویرانگری از آثار جدایی‌ناپذیر «ربا» است همچنان‌که برکت و نمو، از اثرات لاینفک «صدقه» و «خمس» است. پس «ربا» هر چند نامش ربا (زیادی) است، ولی «از بین رفتنی» است، و صدقه هر چند که نامش را زیادی نگذاشته باشند، زیاد شدنی است. لذا در آیه فوق، وصف ربا (یعنی زیاد شدن) را از ربا می‌گیرد و به صدقه (به معنای زکات) می‌دهد، و ربا را به گونه‌ای که ضد اسم او است توصیف می‌کند.

آثار زیانبار ربا در جامعه

خداوند در قرآن با لحن شدیدی اعلام می‌دارد: «و اگر دست از رباخواری برنمی‌دارید، بدانید به جنگ با خدا و فرستاده‌ او برخاسته‌اید». خداوند در آیات مربوط به ربا (آیات ۲۷۵ تا ۲۷۹ بقره) چنان شدتی به کار برده است که درباره‌ هیچ گناهی، جز پذیرفتن سلطه دشمنان دین، به کار نبرده است؛ چرا که آثار زیانبار ربا، اساس دین و زندگی انسانی را از بین می‌برد؛ رباخوار با گرفتن پول بلاعوض از دیگران، خون فقیران را در شیشه می‌کند و با افزایش روزانه ثروت خود، به اختلاف طبقاتی و دشمنی دامن می‌زند، و با از بین بردن روحیه شفقّت و مهربانی باعث تشدید اختلاف و ناامنی در جامعه و ترویج مادی‌گرایی می‌شود.

فرد رباخوار به جای کار و تلاش برای تولید، تهیه و توزیع کالا در میان جامعه، و شرکت در سود و زیان ناشی از تجارت، با سرمایه‌ای که در دست وی به امانت است و وظیفه دارد آن را به نفع خود و جامعه خویش صرف نماید، مبادرت به سوء استفاده کرده و به هنگام احتیاج دیگران به آن سرمایه، زیادتراً آنچه را می‌دهد طلب می‌کند. انسان رباخوار به ثروت اندوزی می‌پردازد و افراد ضعیف روز به روز فقیرتر گشته و این امر موجب سلطه‌وی بر مردم می‌شود. از یاد نبرده‌ایم کشورهای فقیری را که در استقراض از دولت‌های استعماری غرق شده‌اند و توان بازپرداخت بدهی خود و بیرون آمدن از سلطه بیگانگان را پیدا نمی‌کنند.

۱- سورة بقره، آیه ۲۷۹

انواع ربا

ربا بر دو گونه است: ربا در داد و ستد، و ربای قرضی.

- ۱ ربا در داد و ستد: عبارت است از مبادله دو کالا از یک جنس، همراه با دریافت مقدار اضافی؛ مانند معاوضه یک کیلو برنج اعلا با دو کیلو برنج عادی، یا تعویض بیست گرم طلای دست دوم با ده گرم طلای نو. حرمت ربا در جایی است که کالا در برابر کالا قرار گیرد، اما اگر هر کدام از کالاها در برابر پول معامله شود و جداگانه قیمت گذاری و خرید و فروش شود اشکالی ندارد.
- ۲ ربای در قرض: عبارت است از قرض دادن به دیگری، به شرط دریافت مبلغی زیادتراً؛ خواه به طور صریح شرط کنند، یا پرداخت قرض مبتنی بر آن باشد. این نوع ربا شدیداً حرام است.

فعالیت کلاسی

برخی روش‌ها برای رهایی از ربا رواج یافته که به «کلاه شرعی» معروف‌اند، زیرا رهایی واقعی از ربا نیست و حرمت آن مبلغ اضافی را تصحیح نمی‌کنند. با استفاده از اطلاعات عمومی خود و یا مراجعه به کتاب‌های فقهی، چند نمونه از این راه‌ها را ذکر کنید. سپس راه‌حلی غیر از قرض دادن را بیابید که خالی از ربا باشد.

بیندیشیم و پاسخ دهیم

- ۱ تفاوت معاملات حرام را با باطل بیان کنید.
- ۲ فلسفه تحریم ربا در اسلام چیست؟

تحقیق کنید

- ۱- طرز صحیح تعویض طلای کارکرده با طلای نو را بیان کنید.
- ۲- آیا سود بانکی و ربا با یکدیگر تفاوت دارند؟ توضیح دهید.



درس سیزدهم

اصطلاحات اقتصادی اسلام (۱)

يَسْتَلُونَكَ عَنِ الْاَنْفَالِ
قُلِ الْاَنْفَالُ لِلّٰهِ
وَ الرَّسُولِ

از تو در مورد انفال می پرسند،
بگو انفال برای خداوند
و پیامبر است.

۱- سورة انفال، آیه ۱

■ در این درس با برخی اصطلاحات اقتصادی که در فقه اسلامی کاربرد دارد و دانستن آنها لازم است، به طور مختصر آشنا می‌شویم.

۱- انفال

انفال از لحاظ لغوی جمع نفل و به معنای بخشش است و در اصطلاح فقهی عبارت است از منابع طبیعی که در اختیار کشور و جامعه اسلامی قرار دارد؛ مانند جنگل‌ها و معادن و دریاها. این موهبت‌های خدادادی، اموال عمومی و مالکیت آن در اختیار حکومت اسلامی است تا در ضرورت‌های اجتماعی و مصالح جامعه به کار گرفته شود. نحوه استفاده از آن را پیامبر و جانشینان وی تعیین می‌کنند.

با مراجعه به تفاسیر قرآن، درباره آیه نخست سوره انفال تحقیق نموده و آن را به کلاس ارائه نمایید.

فعالیت کلاسی



۲- وقف

وقف یعنی در راه خدا، مال خود را از ملکیت شخصی خارج و استفاده از آن را عمومی کنیم. وقف از کارهای پسندیده و سفارش شده است و به منظور کسب ثواب اخروی و به جا گذاشتن صدقه جاریه و استفاده عموم مردم یا گروهی خاص (مانند ایتم) است. خرید و فروش مال موقوفه ممنوع است و شرایط استفاده از آن بستگی به مفاد مندرج در وقف‌نامه دارد.

برای مطالعه

برخی چاه‌های حفر شده در مدینه که تا امروز باقی است، حاصل تلاش امیرالمؤمنین علی علیه السلام است که آنها را در راه خدا وقف نموده تا پس از حیات خویش از ثواب «صدقه جاریه» بهره‌مند گردد.



فعالیت کلاسی

چند موقوفه از شهر خود را نام ببرید.

۳- هبه

هبه یا هدیه عبارت است از اینکه شخصی مال خود را به طور مجانی و بدون گرفتن عوض، به دیگری ببخشد و تملیک کند. هدیه دادن موجب افزایش محبت و رفع کدورت می‌گردد؛ لذا در دین اسلام به آن سفارش شده است.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرموده اند:

به یکدیگر هدیه دهید و محبت کنید؛ به همدیگر هدیه دهید که موجب رفع کینه و

کدورت می‌شود!

هدیه دادن به ویژه به خویشان و اقوام، بسیار سفارش شده و از موارد صلۀ رحم است. پذیرفتن هدیه و رد نکردن آن نیز جزو تأکیدات اسلام است، اما پذیرش رشوه به نام هدیه جایز نیست.

۱- وسائل الشیعه، ج ۱۷، ص ۲۸۷

فعالیت کلاسی

اگر پس از قول و قرار بخشش و قبل از تقدیم آن، یکی از دو طرف فوت کند، تکلیف آن مال چه می‌شود؟



عبرت

امام علی علیه السلام فرموده‌اند، «شگفت‌آورتر اینکه شبانه کسی به دیدار ما آمد و ظرفی در پوشیده پر از حلوا همراه خود آورده بود؛ چنان از آن متنفر شدم که گویی آن را با بزاق ماری سمی مخلوط کرده‌اند! بدو گفتم: این هدیه است یا زکات یا صدقه؟ که زکات (صدقه واجب) بر ما اهل بیت حرام است. گفت: نه زکات است و نه صدقه، بلکه هدیه است! گفتم: زنان بچه‌مرده بر تو بگیرند! آیا از راه دین خدا وارد شده‌ای تا مرا فریب دهی؟ با عقلت آشفته شده و هذیان می‌گویی؟! به خدا سوگند اگر هفت اقلیم و آنچه زیر آسمان‌ها است را به من دهند تا درباره‌ی یک مور نافرمانی خداوند را به جا آورم و پوست جوی را از او بگیرم، چنین نخواهم کرد!»^۲

فعالیت کلاسی

با توجه به عبارت فوق، چگونگی تشخیص هدیه را از رشوه بیان کنید.



۱- وی اشعث بن قیس بود که فردای آن روز قرار بود به پرونده‌ی وی در دادگاه رسیدگی شود.
۲- نهج البلاغه، خطبه ۲۲۴.

۴- قرض

إِنْ تُقْرِضُوا اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا،
يُضَاعِفْهُ لَكُمْ وَيَغْفِرْ لَكُمْ وَاللَّهُ شَكُورٌ حَلِيمٌ.^۱

اگر به خداوند قرضی نیکو دهید، آن را برایتان دو برابر ساخته و شما را می‌آمرزد؛

و خداوند بسیار سپاسگزار و بردبار است.

قرض عبارت است از قراردادی که شخص در مقابل دریافت مال از قرض دهنده، پرداخت همان مال یا قیمت آن را به وی برعهده می‌گیرد. گره‌گشایی از کار دیگران و قرض دادن به کسی که نیازمند آن باشند، مورد سفارش اسلام و دارای اجر فراوان است. البته قرض گرفتن از دیگران در صورت عدم ضرورت، مکروه و ناپسند است.

فعالیت کلاسی

با مراجعه به تفاسیر قرآن، خصوصیات آن را که موجب حسنه بودن قرض می‌گردد، بیان نمایید.

قرض دادن به دو صورت است: «مدت دار» و «بدون مدت». در قرض «مدت دار» زمان پرداخت بدهی تعیین می‌گردد برخلاف «بدون مدت» که در آن زمان پرداخت قید نشده است. قرض گیرنده موظف است با فرا رسیدن زمان پرداخت بدون هیچ عذری بدهی خود را بپردازد. البته اگر هنگام سررسید بدهی، بدهکار تنگدست باشد، طلبکار باید به وی مهلت دهد تا بدهکار توان بازپرداخت بدهی را پیدا کند.

مستحب است بدهکار مبلغی مازاد بر آنچه قرض گرفته برگرداند و گرفتن این پول برای قرض دهنده، در صورتی که از ابتدا شرط نکرده باشند، جایز است. اما اگر قرض دهنده شرط کند که بیش از آن مقدار که پرداخت کرده دریافت کند، حتی اگر مقدار آن را مشخص نکند، ربا و از گناهان کبیره است.

۱- سورة تغابن، آیه ۱۷

از رسول خدا ﷺ نقل شده است که فرمود :
 «کسی که به برادر مسلمان خود قرض دهد برای هر دره‌می، حسنه‌ای
 همسنگ کوه اُخُد دارد. و اگر در مطالبه قرض، با وی مدارا کند او را
 بدون حساب از پل صراط عبور می‌دهند.
 و اگر کسی برادر مسلمانش نزد او از تهی‌دستی شکایت کند و او
 به وی قرض ندهد، خدای تعالی در روزی که پاداش نیکوکاران را
 می‌دهد او را از بهشت محروم می‌سازد»^۱.
 از امام صادق علیه السلام نقل شده است که :
 «بر سر در بهشت نوشته است : صدقه دادن ده ثواب و قرض دادن
 هجده ثواب دارد.»^۲

قرض دادن علاوه بر رفع مشکلات اقتصادی افراد هم‌نوع موجب برطرف شدن غم و
 اندوه آنها و حفظ آبروی نیازمندان می‌شود و به این طریق موجب تقویت اتحاد بین افراد
 جامعه و احساس رضایت از زندگی می‌گردد.

۵- رهن

رهن قراردادی است که مطابق آن، طلبکار از بدهکار چیزی را گرو می‌گیرد و تا زمان
 دریافت طلبش آن را به امانت نزد خود نگهداری می‌کند؛ مانند اینکه بانک در قبال پرداخت
 وام، سند منزل را گرو بگیرد و نزد خود نگاه دارد. این کار موجب اطمینان از پرداخت بدهی
 می‌گردد. گروگیرنده حق ندارد بدون اجازه گروگذار در رهن تصرف کند.

۱- تحریر الوسیله حضرت امام خمینی، ج ۳

۲- کنز العمال ج ۶، ص ۲۱۸

امروزه اصطلاح رهن به نوعی اجاره نیز گفته می‌شود که مستأجر به جای پرداخت اجاره ماهیانه، مقداری پول را به‌عنوان رهن نزد صاحبخانه امانت گذاشته و در آخر سال آن را دریافت می‌کند. این نوع اجاره به شرطی صحیح است که مبلغی را نیز، به‌عنوان اجاره ماهیانه تعیین کنند و مبلغ رهن را به‌عنوان قرض الحسنه و در قالب شرط ضمن عقد اجاره به‌موجر تسلیم کنند.

۶- اجاره

عقدی است که مطابق آن، حق بهره‌برداری از منافع کالا یا کار انسان، در مدت مشخص، به شخص دیگر واگذار شده و در قبال آن، مبلغ معینی دریافت می‌گردد. اجاره بر دو نوع است: ۱- منافع کالا؛ مانند اجاره ملک، ماشین و مانند آن. ۲- کار و تلاش انسان؛ مانند استفاده از خدمات کارمندان و کارگران. در نوع اول، اجاره‌دهنده را «موجر» و اجاره‌کننده را «مستأجر» می‌نامند و در نوع دوم، کارگر یا کارمند را «مستخدم» و قرارداد اجاره را «استخدام» نیز می‌گویند. عقد اجاره نیز شرایط و احکام خاصی دارد.



بیندیشیم و پاسخ دهیم

- ۱ در حال حاضر اختیار انفال در دست کیست؟
- ۲ تغییر در مصرف موقوفه منوط به تحقق چه شرایطی است؟ چند مثال بزنید.
- ۳ علت برتری قرض دادن نسبت به صدقه و کمک مالی چیست؟
- ۴ برتری‌های رهن گرفتن را بر اخذ چک، سفته و ضامن برشمارید.

تحقیق کنید

اگر کسی به شما بگوید: «شما قرض بدهید، بنده هم حتماً به نوعی جبران می‌کنم» آیا ربا محسوب می‌شود؟



درس چهاردهم

اصطلاحات اقتصادی اسلام (۲)

قَالُوا نَفِدُ صَوَاعِ الْمَلِكِ
وَلِمَنْ جَاءَ بِهِ حِمْلُ بَعِيرٍ
وَأَنَا بَعْه زَعِيمٌ^۱

گفتند که ما جام پادشاه را
گم کرده ایم و هر کس آن را بیاورد
یک بار شتر (غله) به او داده می شود
و من ضامن (این پاداش) هستم.^۲

۱- سوره یوسف، آیه ۷۲

۲- اشاره به جعله

■ در درس پیشین با برخی اصطلاحات اقتصادی آشنا شدیم. در این درس به برخی دیگر خواهیم پرداخت.

۷- وکالت

وکالت عبارت است از قراردادی که مطابق آن، انجام برخی از کارهای خود را به دیگری واگذار کنیم. مانند اینکه کسی را مأمور فروش منزل خود کنیم تا از طرف ما خانه را به قیمت مناسب بفروشد. او «وکیل» ماست و به ما که اختیار قانونی برای تصمیم‌گیری را به او داده‌ایم «موکل» می‌گویند. این نوع قرارداد می‌تواند کتبی یا شفاهی باشد. اختیارات «وکیل» مطابق توافق بین او و «موکل» است و نباید از آن تخطی کند؛ همچنین موکل نیز هر زمان که بخواهد می‌تواند وکیل را عزل نماید.

فعالیت کلاسی با کمک دبیر خود، مواردی از کاربردهای رایج وکالت را در زندگی روزمره نام ببرید.



۸- مضاربه

برخی توانایی کار دارند، ولی سرمایه ندارند، برخی نیز سرمایه دارند، ولی امکان یا توان کار ندارند. مضاربه عبارت است از قرارداد همکاری بین دو نفر به گونه‌ای که یکی عهده‌دار سرمایه و دیگری عهده‌دار کار می‌شود و سود و زیان میان آن دو به نسبتی که توافق می‌کنند تقسیم می‌گردد.

توجه: از آنجا که میزان سود در فعالیت‌های اقتصادی نامعلوم است، طرفین باید چگونگی تقسیم سود را به صورت درصدی از سود نهایی تعیین نمایند و اگر مبلغ مشخصی را به عنوان سود تعیین کنند، ربا می‌شود.

تفاوت این دو قرارداد را با یکدیگر بیان کنید و علت ربا بودن قرارداد دوم یعنی حالتی که در مضاربه، سود تعیین می‌شود را توضیح دهید.



۹- صلح

در امور روزانه و داد و ستدها گاهی ابهام یا اختلاف نظر پیش می‌آید و تعیین حق طرفین دشوار یا غیرممکن می‌شود. در این موارد بهترین راه، «مصالحه» و رضایت طرفینی است؛ به این صورت که هر دو طرف در مورد انتقال مالکیت، یا حق استفاده از کالا، به یک توافق برسند و حق احتمالی خود را ببخشند و حلال کنند.

۱۰- ضمان

ضمان عبارت است از به عهده گرفتن بدهی فردی دیگر که اگر او پرداخت نکرد، ضامن پرداخت کند. مثل اینکه شما ضامن کسی شوید و به طلبکار بگویید: «من بدهی فلان شخص را که به شما بدهکار است ضمانت می‌کنم». در نتیجه، آن دین از ذمه بدهکار به ذمه ضامن منتقل می‌شود و او در صورت عدم پرداخت، بعد از پرداخت وجه ضمان، می‌تواند آن مقداری را که به طلبکار پرداخته از او مطالبه کند.

هر انسانی در قبال کارهای خود مسئول است و باید پاسخگو باشد. این مسئولیت در مواردی که مربوط به اموال یا حقوق دیگران (حق الناس) می شود شدیدتر است و بی توجهی به آن نتایج ناگواری در دنیا و آخرت به دنبال دارد.

هر کس بر اثر بی احتیاطی بر اموال دیگران خسارتی وارد کند مُلزم به پرداخت خسارت و در اصطلاح فقهی «ضامن» است؛ مثلاً اگر وسیله‌ای را به دوست خود عاریه دهید (به اصطلاح عرفی امانت دهید تا استفاده کند) و بر اثر اتفاق (و نه سهل انگاری) آسیبی به آن وارد آید حق گرفتن خسارت از دوست خود را ندارید؛ ولی اگر در مغازه کالایی را جهت مشاهده بردارید و از دستانتان به زمین بیفتد باید خسارت آن را پرداخت کنید

۱۱- لُقْطَه

لقطه به شیء پیدا شده‌ای گفته می شود که مالک آن مشخص نیست؛ مانند اشیای جامانده، یا مسروقه‌ای که در اماکن عمومی یا شخصی پیدا می شود. در صورت برداشتن، شخص ضامن نگهداری و رساندن آن به مالک اصلی خواهد بود.

در مواردی که برنداشتن آن شیء موجب تلف شدن آن شود، جایز است فرد مسلمان این مسئولیت را برای حفظ حقوق دیگر برادران دینی خود بر عهده گرفته و اقدام به نگهداری آن نماید. در این صورت وی موظف است تا یک سال به جست و جوی مالک آن کالا بپردازد و آن را در اماکن عمومی اعلان نماید. سپس در صورت پیدا نشدن صاحب آن، از طرف صاحبش آن را صدقه دهد یا نزد خود به امانت نگاه دارد یا اینکه برای خود بردارد به شرط اینکه اگر صاحبش پیدا شد به وی بدهد.

فعالیت کلاسی

اگر بولی را پیدا کنید و صاحبش را شناسید چه می‌کنید؟ آیا انداختن آن در صندوق صدقه صحیح است؟



۱۲- جُعَاله

نوعی قرارداد یک طرفه است که فرد متعهد می‌شود به هر شخصی که کار مورد نظر او را انجام دهد، پاداش معینی پرداخت کند. همانند آیه‌ای که در ابتدای درس آمده است.^۱

فعالیت کلاسی

مثال‌هایی در مورد جعاله ذکر کنید.



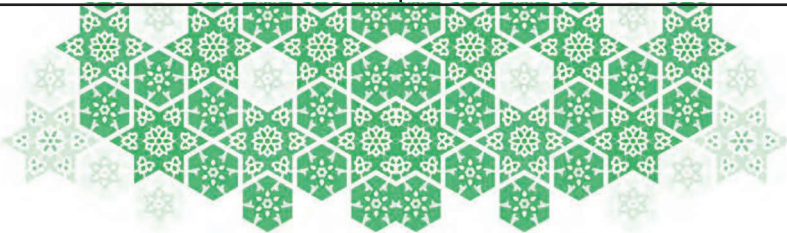
۱- برای توضیحات بیشتر می‌توانید به تفسیر این آیه در کتب تفسیری همچون «المیزان» و «البرهان» مراجعه نمایید.

بیندیشیم و پاسخ دهیم

- ۱ تفاوت «وکالت» با «وصیت» چیست؟
- ۲ کاربرد «مضاربه» در عقود بانکی (حساب‌های پس‌انداز) به چه صورت است؟
- ۳ آیا می‌توان قرض ربوی را به وسیله «صلح» حلال و شرعی کرد؟ نظر مرجع خود را بنویسید.
- ۴ آیا «جُعَاله» همان «مژدگانی» است؟ تفاوت آن‌دو را بیان کنید.

منابع و مؤلفان

- ۱- قرآن کریم، ترجمه های محمد مهدی فولادوند و آیت الله ناصر مکارم شیرازی
- ۲- نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی
- ۳- تحریر الوسیله، امام خمینی (ره)
- ۴- رساله نوین، عبدالکریم بی آزار شیرازی
- ۵- رساله توضیح المسائل مراجع
- ۶- تفسیر المیزان، علامه سید محمد حسین طباطبایی (ره)
- ۷- تفسیر نمونه، آیت الله مکارم شیرازی و جمعی از محققان
- ۸- مسئله حجاب، استاد شهید مرتضی مطهری
- ۹- بحار الانوار، علامه محمد باقر مجلسی
- ۱۰- حماسه حسینی، ج ۲، استاد شهید مرتضی مطهری
- ۱۱- تحف العقول، ابن شعبه حرّانی (ره)
- ۱۲- اصول کافی، شیخ کلینی (ره)
- ۱۳- فروع کافی، شیخ کلینی (ره)
- ۱۴- من لا یحضره الفقیه، شیخ صدوق (ره)
- ۱۵- الخصال الشیعه، شیخ صدوق (ره)
- ۱۶- وسائل الشیعه، شیخ حرّ عاملی (ره)
- ۱۷- مستدرک الوسائل، محدث نوری (ره)
- ۱۸- غرر الحکم و درر الکلم، عبدالواحد آمدی
- ۱۹- الکنی و الألقاب، محدث قمی ج ۲
- ۲۰- کنز العمال، متقی هندی ج ۶



معلّمان محترم، صاحب نظران، دانش آموزان عزیز و اولیای آنان می توانند
نظر اصلاحی خود را دربارهٔ مطالب این کتاب از طریق نامه به نشانی تهران،
صندوق پستی ۱۵۸۷۵/۴۸۷۴، گروه درسی مربوطه یا پیام نگار (Email)
talif@talif.sch.ir ارسال نمایند.
دفتر تألیف کتاب‌های درسی عمومی و متوسطه نظری